

نمایش روز قدس 89 شاخص تمام نمای فروپاشی حاکمیت

در سی و یک سال قبل در یک شرایط ویژه و استثنایی خمینی توانسته بود در پایان سلطنت 50 ساله دیکتاتوری سیاه پهلوی سوار بر باور و اعتماد و آگاهی وارونه توده ها نسبت به خودش به یک سلطنت مافوق مطلقه دست یابد. پس از برقراری حکومت ولایت فقیه حاکمیت با مطالبات مردم برای رفع تبعیض و نابرابری ها ستم ملی و طبقاتی؛ قومی و منطقه ای در گستره سرزمین ایران مواجه گردید و از طرف دیگر در تقابل و مواجهه با مقاومت و رد مشروعیت حاکمیت ولایت فقیه توسط اقلیت اندک مبارزین و آزادیخواهان از طرفداران گروههای چپ و مارکسیست؛ مجاهدین خلق و ملیون واقعی قرار گرفته بود؛ لذا خمینی تنها راه برون رفت از بحران را به شعبده بازی اشغال سفارت و جنگ خارجی و سیاست جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم جستجو کرد زیرا در غیر اینصورت قادر به پاسخ به مطالبات مردمی؛ انقلابیون؛ مبارزین و اقشار روشنفکر نبود. نظام ولایت فقیه ماقبل قرون وسطی در سایه آن توانست مطالبات ملیت ها و طبقات تحت ستم؛ کارگران؛ کارمندان؛ سربازان؛ همافران و درجه داران را تحت لوای اولویت جنگ به عقب صحنه رانده و با اقدام به نسل کشی گسترده از مبارزین و انقلابیون و نمایندگان جنبش ها؛ پایه های حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ولایت فقیه را مستحکم کند.

تداوم هشت سال جنگ هر چند رژیم را به اهداف ضد بشری و جنایتکارانه خود رساند اما تضادهای دیگری را تعمیق بخشید که با گسترش و حاد شدن آن ها مجبور به سر کشیدن جام زهر صلح گردید و جبهه جنگ را در مسیر های دیگری از جمله فتوای قتل سلمان رشدی و صدور تروریسم و سرکوبی آزادی های حداقلی و دموکراسی حتی در خارج از کشور کشاند. شکست در عرصه های اقتصادی و اجتماعی گسترش نفرت و بی اعتمادی مردم نسبت به رژیم جمهوری اسلامی؛ نابودی زیر ساخت های اقتصادی؛ فقدان سرمایه گذاری در خصوص گسترش صنایع و کشاورزی و نوسازی صنایع موجود؛ کاهش تولید و جهت گیری تجارت محوری در اقتصاد و رشد نهادهای مالی و پولی و دیگر مواردی از این قبیل همگی به انباشت تضادهای درونی ساختار اقتصادی - اجتماعی کمک کردند که نتیجتاً راه بی بازگشتی را در برابر رژیم گشود که همان روند فشرده گی و تراکم قدرت پلیسی - امنیتی و نظامی؛ تصفیه بانده و جناح های حاکم در قدرت برای رویارویی گسترده تر با مردم مبارز توسط این حکومت می باشد.

در راستای تراکم و فشرده گی حکومت پلیسی - نظامی؛ گسترش و زیاده خواهی نفوذ خارجی در کشورهای منطقه و خاورمیانه به یمن همکاری جناح هایی در آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری در جهت سیاست کمربند سبز و تقویت جناح های بنیاد گرا در خاورمیانه از جمله عراق؛ فلسطین و لبنان و دیگر مناطق تحقق یافت. اما همه حوادث بخصوص داخلی مطابق دلخواه حکومت ولایت فقیه به پیش نرفت و با شکست سیاست های داخلی زمینه برای شکست های خارجی نیز گشوده شد.

این رژیم هر چند زائیده فریب؛ جهل؛ دروغ و دغل؛ تقلب و جنایت و سرکوب است ولی کاربرد اقدامات فوق در دوره ای که اعتماد جاهلانه اکثریت مردم را با خود داشت موضوعی است و کاربرد آن در مقطعی که تمامی یاوه گویی ها و دروغ هایش آشکار شده و اعتماد اکثریت مردم را از دست داده موضوع دیگر است و به این لحاظ بود که کاربرد تقلب و فریب و کودتای انتخاباتی همانند تمامی انتخابات دروغین برگزار شده اش در دوره های قبل فقط در این دوره بود که همانند بمبی در دستانش منفجر شد و روند فروپاشی و سرنگونی آنرا بجهت شکست سیاست ها اقتصادی و اجتماعی سی ساله بر ملا کرد.

عیان شدن تضادهای عمیق و گسترده اقتصادی - اجتماعی باعث تغییر معادلات جهانی با رژیم نیز گردید. ایالات متحده آمریکا که خواهان سیاست گفتگوی مستقیم و تعامل و تفاهم با آن بود سیاست تحریم بجای تفاهم را در پیش گرفته همچنین کشورهایی که در تمامی دوران حکومت اسلامی با

سیاست مماشات به تأیید عملکرد آن پرداخته و به سودهای کلان اقتصادی دلخوش کرده بودند (همانند ژاپن و اتحادیه اروپا) و حتی کشورهایی که متحد استراتژیک آن بودند همانند روسیه و یا چین بعثت آگاهی به فقدان تداوم عمر و آینده این رژیم ؛ به سیاست تحریم روی آورده و در تدارک و آماده گی برای دوران پس از نظام ولایت فقیه هستند .

در عرصه نیروهای داخلی نیز اصلاح طلبان حکومتی و رهبران آن آقای موسوی و آقای کروبی که پس از انتخابات خرداد 88 جرقه و استارت مخالفت و مبارزه با جناح نظامی - امنیتی را زده و باعث سر ریز شدن موج مخالفت های مردمی به خیابان شدند ؛ اعتراضاتی که در مراحل اولیه خود خواهان پس گرفتن رأی خود بود اما گام به گام با عکس العمل جنایتکارانه حاکمیت در بستر تضادهای اقتصادی - اجتماعی بسرعت رادیکال شد و خواهان سرنگونی نظام ولایت فقیه گردید . اوج و تبلور مطالبات واقعی و پایه ای مردم ؛ در تظاهرات قیام روز عاشورای 88 خود را نشان داد و لذا اصلاح طلبان حکومتی از دو سو غافلگیر شدند یکی از مخالفت و مقاومت ولی فقیه در دادن هر گونه امتیاز و عقب نشینی بود و از سوی دیگر گسترش مطالبات و مبارزات مردمی از پس گرفتن رأی خود تا خواست " مرگ بر اصل ولایت فقیه " و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در نبرد خیابانی در روز عاشورا ؛ آنان را در شرایط متناقض قرار داد .

در نتیجه رویارویی دو جبهه مردمی و حاکمیت ضد بشر و جنایتکار و ددمنش جمهوری اسلامی ؛ پروژه اصلاحات نظام دود شد و بهوا رفت و نتیجتاً رهبران آن منفعل و بی برنامه مجبور به صدور عریضه هایی شدند که یکی به رژیم تمکین می کرد و دومی با انتقاداتی به آن همراه بود اما هیچکدام در مسیر مبارزات مردمی که این مراحل را پشت سر گذاشته بودند تأثیری نداشت و حاکمیت نیز در راستای تداوم سرکوب خود ؛ به تمکین آنان و اعلام حفظ نظام و قانون اساسی از طرف آنان وقعی نمی گذارد .

راه تداوم حضور اصلاح طلبان حکومتی در عرصه اجتماعی و مبارزاتی چرخش گسترده و پیوستن آنان در جبهه مردمی بود اما آنان پس از قیام عاشورای 88 بر حفظ حاکمیت و بنیان ها و ارکان سیاسی نظام ولایت فقیه که خود در پا بر جا کردن آن سهم عمده ای داشتند همچنان تأکید کردند یعنی جایگاهی که نه در میان مردم تأثیر گذارند و نه حاکمیت نیازی و حتی اعتمادی به آنان دارد .

تظاهرات روز قدس که به پیشنهاد آقای ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی و اعلام خمینی از اولین سال های برپایی نظام ولایت فقیه شکل گرفت همواره در بهره گیری متقلبانه و فریبکارانه که در ذات نظام آخوندی ولایت فقیه است رژیم بعنوان سند ضدیت با ظلم و اشغال بهره می گرفت که با تظاهرات عظیم مردمی در خیابان های مرکزی شهر همراه می شد ؛ تظاهرات این روز خود بعنوان ابزاری در سرکوب و تحمیل خفقان و سلب آزادی های دموکراتیک و مطالبات مردمی مورد استفاده حاکمیت قرار می گرفت یعنی در سال های قبل ؛ پس از هر تظاهرات در روز قدس ؛ رژیم شمشیر های خود را صیقل زده و یورش جدیدتری به آزادی ها و سطح مطالبات مردمی و نیروهای مبارز و آزادیخواه می نمود اما در تظاهرات سال 88 با حضور قهرمانانه مخالفین و معترضین و رساندن فریاد اعتراضی خود توانستند در عرصه داخلی و بین المللی نقاب تزویر ؛ فریب و ریا را از جهره رژیم برکنده و وی را رسوا نمایند و لذا این روز دیگر ؛ نه سکوی پرش رژیم برای سرکوب آزادیهای دموکراتیک و مطالبات اقتصادی مردم بلکه به روز رسوایی آن تبدیل گردید ؛ یعنی دیگر این روز به برگ سوخته ای در دست رژیم تبدیل شد ؛ این روز دیگر نه برای مظلوم نمایی و حمایت رژیم از مردم تحت ستم فلسطین بلکه مظهر ستم و سرکوب مردم به دست همین رژیم و فریب و دغل و عمق ریا کاری نظام ولایت فقیه عریان گشت و در سرایشی عمر این حکومت همانند سرنوشت تمامی رژیم های رو به سقوط ؛ هر اتفاق ؛ حادثه و وقایعی تنها کاتالیزوری برای افزایش سرعت سرنگونی است و فرایندها شتاب می یابند یعنی نمایش روز قدس سال 89 تداوم شتاب فرایند بی آبرویی ؛ ناکامی ها و شکست های رژیم نسبت به سال 88 است بطوریکه می توان گفت که در امسال روند شکست و ناکامی رژیم در برپایی نمایش بمراتب خفت بار تر از سال قبل بود در امسال تعداد شرکت کننده گان در نمایش امسال را در ارزیابی بسیار خوشبینانه تا یکصد هزار بیشتر نمی توان ارزیابی نمود(رژیم دست به بسیج از

شهرهای اطراف و یا حضور اجباری از پادگان ها ؛ مدارس و ادارات زنده بود) خیابان آزادی تا حد 16 آذر در قسمت پیاده روی شمالی و سراسر باندهای خیابان خالی و بدون جمعیت بود و تنها در پیاده روی جنوبی عده ای در حال رفت و آمد در مسیر دانشگاه بودند چند دسته از بیست تا دویست نفره با یک وانت نیشان در جلو مجزا و با فاصله با بلندگو به شعارهای حکومتی و مستجهن آن از جمله "حزب فقط حزب علی رهبر فقط سید علی" می پرداختند و جمعیت پشت سر آن به تکرار بی رمق آن پاسخ می داد و گاهی شعارهای الله اکبر بلندگو که برای تهییج اعلام می شد با پاسخ محکمی همراه بود هدایت کننده گان جمعیت در نیشان از عقب مانده ترین و اوباشان حکومتی بودند مزدورانی که جز تفاله های اجتماع نیستند که توسط رژیم بکار گرفته شده اند تا با کاربرد قدرت جنون آمیز؛ زندگی خفت بار خود را بپوشانند و گاه از قماش همین مزدوران بیسم بدست در خیابان های خلوت بالا و پایین رفته تا خودی نشان دهند و از کمبود جمعیت خود غرق در حیرت بودند . خیابان شمالی و جنوبی کارگر کالا" خالی بود مقابل دانشگاه را در خیابان و پیاده روی شمالی بسته و خالی از جمعیت بودند

تظاهرات قدس 89 نشان داد که رژیم در داخل کشور به انزوای کامل رسیده و نه تنها هیچ برنامه و نمایشی برای جذب ندارد بلکه مردم توهم و اعتمادی به گفته و عملکردش نداشته و فریادهای حمایت از مردم فلسطین دیگر توسط کسی به پیشیزی گرفته نمی شود زیرا پرده دری مبارزین در سال 88 بر بستر عملکرد سی ساله حاکمیت ؛ نقاب از چهره رژیم ولایت فقیه بر انداخته است . در تظاهرات سال 88 صدای فریادی دیگر به غیر از صدای رژیم در داخل و خارج از کشور به گوش مردم و جهانیان رسید ؛ اما تظاهرات سال 89 افلاس و درماندگی کامل رژیم بود که به تمام جهان و بیشتر از همه بر خود رژیم نمایان کرد که خریداری برای ادعاها و فریب کاریهایش وجود ندارد . و سقوط آنرا برای تمامی حامیان رژیم نیز به نمایش گذارد . این قطعا باعث ریزش بیشتر نیروها درونی و تتمه نیروهای آن خواهد بود . رژیم با بحران های عمیق اقتصادی - اجتماعی با بدهی 1400 میلیارد دلاری به بانک ها و مؤسسات داخلی خصوصی با انزوای بین المللی ؛ با آزاد سازی قیمت ها و چند برابر شدن رزق و روزی عادی مردم با قهر نهادینه شده در دل مردم ؛ خلق ها و ملیت های و طبقات تحت ستم و مبارزه زنان و جوانان چه چشم اندازی برای تداوم دارد ؟ رژیم که در تمامی دوران حکومت خود بادهای سهمگین کاشته اینک طوفان های سهمگین تری درو خواهد کرد و تمامی دودمانش بر باد خواهد رفت .

حاکمیت ولایت فقیه اینک اسیر همان روش ها و شیوه هایی است که مردم را به اسارت گرفته بود و آزادی و دموکراسی و حقوق انسانی و مطالبات برابری خواهانه و عدالت اجتماعی را نابود و مردم را چشم و دست بسته به قربانگاه می کشاند اینک خود بدون راه گریز با چشمانی بسته با اندامی زبون و مریض به مسلخ و مسیر محتوم خود نزدیک می شود و هیچ راه گریزی از آن نیست .

تاریخ ایران در مقطعی است که تمامی نیروهای مبارز و آزادیخواه و خواهان دموکراسی و عدالت اجتماعی و مردم تحت ستم طبقاتی ؛ ملی و جنسیتی ؛ ضروری است که از ویژه گی " درخود " بودن آزاد شده یعنی رسالت تاریخی خود را ایفا کرده و با مشارکت اجتماعی و با طرح و برنامه مشخص و واقعی در راه زدودن تمامی تبعیض ها ؛ ستم های طبقاتی ؛ ملی و قومی و جنسیتی و طرح نظام اقتصادی - اجتماعی پس از محو این جرثومه کثیف ولایت فقیه و نظام ها و نهادی های اقتصادی و اجتماعی آن بتوانند نظام انسانی ؛ آزادانه و با حقوق انسانی و کارمحور را تحقق بخشند .

اتحاد برای ایجاد شوراهای مردمی